

چگونه می توان قانون تغییر داد

تجربه زنان سرخپوش مرپوان



انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت

www.hekmatist.com

فهرست

- مقدمه: انسان تاریخ خود را می سازد! (چگونه می توان قانون تغییر داد)
- در مریوان نمایش تحقیر و توهین به زنان بر پا شد - جمیل خوانچه زر، محمد راستی
- هویت قومی یا هویت انسانی؟ - بیانیه زنان سرخ پوش و فعالین مدنی شهر مریوان
- زنان و مردان مبارز در مریوان به رژیم تو دهنی زدند - اطلاعیه حزب حکمتیست
- زنان سرخپوش مریوان عقب نشینی مهمی را به جمهوری اسلامی تحمیل کردند - اطلاعیه حزب حکمتیست
- مبارزات زنان و مردان در مریوان دامنه دارتر شد! - جمیل خوانچه زر، محمد راستی
- نگاهی به تجربه حرکت زنان سرخ پوش در مریوان - محمد راستی، جمیل خوانچه زر
- زنان سرخپوش مریوان و درس عبرت به مجرمین واقعی - اطلاعیه حزب حکمتیست



انسان تاریخ خود را می سازد!

(چگونه می توان قانون تغییر داد)

طبقات دارا، دولتمردان و صاحبان زور و سرمایه و ثروت بمثابة یک طبقه اجتماعی برای خود و به نفع خود قانون نوشته، مذاهب ساخته، خرافات منتشر کرده و ابزارهای تحکیم حاکمیت و تامین منفعت طبقاتی اش را بخدمت گرفته است. و به این معنا تاریخ خود را ساخته است.

در مقابل آن، طبقه کارگر و زحمتکشان و محرومان جامعه بشری هم تاریخ خود را به زبان قوانین و سنت ها و جنبشهای طبقاتی و اجتماعی خود ساخته و رقم زده است.

تأجریسم تاریخ یک دوره طبقات دارا نه تنها در انگلستان بلکه در ابعاد جهان سرمایه داری است و اعتصاب معدنچیان انگلیس تاریخ طبقه کارگر در مقابل آن است...

کاپیتال مارکس، مانیفست کمونیست، چه باید کرد لنین، کمون پاریس، انقلاب اکتبر، یک دنیای بهتر، حقوق جهانشمول انسان... بخشهایی از زبان حال این تاریخ اند.

تاریخ بشر، تاریخ زورآزمایی طبقات است. تاریخ جدال بر سر منافع متفاوت طبقاتی است، جدال بر سر تدوین یا لغو قوانین به نفع این و آن منفعت طبقاتی است.

جمهوری اسلامی بعنوان دولت حافظ منافع یک طبقه (سرمایه داران) در طول بیش از سه دهه، تجربه ای خونین، ضد انسانی، ضد کارگری و ضد زن را به تاریخ طبقه خود افزوده است. قوانین ضد زن جمهوری اسلامی تا حد یک آپارتاید جنسی، گوشه ای از این تاریخ ضد انسانی است. جمهوری اسلامی بر رد پای پیشینیان خود، برای تقدیس و حفاظت از مالکیت خصوصی و حراست از نظام طبقاتی، قوانین متحجر اسلامی از جمله قانون جداسازی زن و مرد، حجاب اجباری و دخالت در زندگی مردم را بخدمت گرفته است. تاریخ حیات جمهوری اسلامی تلاش طبقات دارا برای به تسلیم کشاندن اراده انسان آزادیخواه و برابری طلب در مقابل نظام نابرابر و استبدادی و قوانین ارتجاعی آن ها است. تاریخی سیاه و ننگین و شرم آور بر پیشانی سازندگانش.

پا به پای دولتمردان و صاحبان زور و زر، کارگران و زحمتکشان و زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در ایران هم تاریخ خود را رقم زده و تجاربی را بر مبارزات تاریخی بشر علیه سرمایه داران و مستبدین و قوانین ضد کارگری و ضد زن و ضد آزادی شان افزوده اند.

در این تاریخ، هزاران اعتصاب کارگری، هزاران مورد مبارزه جمعی و اعتراض و دفاع از آزادی و حرمت انسانی، چند دهه جنگ مقاومت و ایستادگی زنان و مردان سوسیالیست و برابری طلب، اول مه ها، ۸ مارس ها، جشن های نوروزی، تحرکات اجتماعی خلاف جریان و علیه قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی سرمایه داران و...، ثبت شده است.

اگر مقاومت و اعتراض طبقاتی، اجتماعی و انسانی آزادیخواهانه و برابری طلبانه، در این سه دهه از حاکمیت جمهوری اسلامی سرمایه داران، وجود نداشت، اگر این مبارزات و ایستادگی ها به این رژیم افسار نمی زد، بشریت شاهد تحمیل زندگی فلاکتبارتری از اسلام طالبان در افغانستان، بر مردم ایران بود.

در تداوم این تاریخ و در آغاز بهار سال ۱۳۹۲، در گوشه ای از ایران در شهر مریوان، اتفاقی به ظاهر کوچک افتاد. اتفاقی که شاید در برابر جنایات و تعرض بورژوازی حاکم ایران به زندگی و نان سفره کارگران و مردم و به آزادی و حرمت انسانی، اتفاق کوچکی بود که ممکن بود به صاحبان آن حرکت نیشخندی زد و از کنارش گذشت و رد شد.

قاضی جمهوری اسلامی در شهر مریوان، حکمی صادر کرد تا بر سر مردی به اتهام "اراذل"، روسری قرمز زنانه کرده و در خیابانهای شهر به نمایش در آورند.

این اقدام در مقابل اعدام در ملا عام، سنگسار و شلاق زدن و هزاران مورد دیگر هتک حرمت انسان، که در قوانین جمهوری اسلامی مقرر شده است تا تاریخ این دوره زندگی انسانهای این گوشه از کره خاکی را رقم بزند، اقدامی بسیار "پیش پا افتاده و بی اهمیت" می نمود! اما بخش آگاه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب مریوان شب آن روز نمایش بظاهر مسخره را نتوانستند مثل شبهای دیگر سر کنند و به راحتی بخوابند. زنان برابری طلب آن شب را با احساسات جریحه دار شده به روز رساندند.

آن ها فکر کردند که همین اندازه حرکت ضد انسانی جمهوری اسلامی که به ظاهر تنبیه کردن یک مجرم را می خواست نمایش دهد، در واقع و در بطن خود، اهانت بزرگی به زن و نیمی از انسان های جامعه بود. پوشاندن لباس و یا روسری سرخ زنانه بر تن مردی، تنها بخاطر مجرم نشان دادن و تنبیه کردنش نبود. بلکه جمهوری اسلامی با این تفکر ارتجاعی، ضد انسانی و ضد زن، حکومتی که نصف انسان های جامعه را به جرم زن بودن محکوم کرده، هتک حرمت نموده و با تحمیل آپارتاید جنسی، جداسازی و حجاب اجباری، از زندگی آزاد و برابر و انسانی محروم کرده است، با این اقدام "جدید"، زخم دیگری به پیکر زنان زد.

زنان و مردان برابری طلب مریوان، فردای روز این اتفاق و تعرض بی شرمانه، با اراده و مصمم به جواب دادن به این تعرض به آن بیدار شدند! به خیابان آمدند و با پوشیدن روسری سرخ از حرمت انسانی زن دفاع کردند. روز جمعه بعد از این اتفاق، پارکهای شهر مریوان با پلاکاردهای آزادی، برابری و نه به هویت قومی و مذهبی، مزین شد. و قوانین ضد زن جمهوری اسلامی، اقدام قاضی و پلیس مریوان، توسط توده زنان و مردانی که در این روز به تفریح آمده بودند، تقبیح شد و محکوم گردید.

به این ترتیب پیام آزادی و برابری انسان، بار دیگر به ارتجاع اسلامی حاکم گوشزد گردید. پیامی که به دلیل محتوای به شدت انسانی و برابری طلبانه اش به سرعت توجه افکار عمومی را بخود جلب کرد، مرزهای محلی و منطقه ای را شکست، و به بحث میدیا و محافل و اجتماعات مردم، نه تنها در ایران بلکه در آنطرف مرزهای ایران تبدیل کرد. میدیا و شبکه های اجتماعی، روزنامه های پر تیراژ، به این مساله پرداختند.

روسری قرمز زنانه که برای ارتجاع حاکم اسلامی ایران نشانه تحقیر و "ابزار" مجازات و تنبیه مردان است، به نشان و سمبل احترام به برابری زن و مرد، در گوشه و کنار جهان تبدیل شد.

جمهوری اسلامی در مقابل این اعتراض گسترده انسانی، به ناچار رییس پلیس اش را جلو فرستاد تا بگوید، اقدام قاضی و پلیس اجرایی شهر مریوان کار زشتی بوده! ناچار شدند که اعلام کنند که از این پس جمهوری اسلامی تنبیه یا مجازاتی از قبیل پوشاندن لباس زنانه و یا چرخاندن متهمین به نام "اراذل و اوباش" در خیابان ها به نشانه هتک حرمت شان را، متوقف خواهد کرد. به این ترتیب ارتجاع حاکم اسلامی، یک قدم دیگر در مقابل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی عقب نشست.

این تجربه و همین اندازه عکس العمل و تقبیح تعرض به حرمت انسان و ابراز تنفر از تحقیر زن، توانست یک سنت بشدت ارتجاعی و یک قانون جمهوری اسلامی را از صفحه تاریخ ایران پاک، و احترام به آزادی و برابری را به جایش براین صفحه حک کند. این تجربه بعلاوه نشان داد که: برخلاف ادعای طیفی از روشنفکران مجاز و قانونی که بدنبال "اصلاحات" و "تغییر قانون" در کریدورهای مجالس و وزارتخانه های ریز و درشت دهها سال است مشغول لابی کردن بی حاصل اند، آنچه که میتواند "وحشتی ترین" هتیت های حاکمه را یک شبه مجبور به تغییر و اصلاح قانون کند، حرکت انقلابی از پائین و فشار جنبش های رادیکال معینی است.

این تجربه ی جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، بار دیگر نشان داد که انسان تاریخ خود را می سازد. و چگونه اراده انسان می تواند قانون طبقات حاکم را تغییر دهد. این تجربه نشان داد که فکر چگونه میتواند به عمل تبدیل شود و جهان را به سمتی که انسان آزادیخواه و برابری طلب می خواهد، تغییر دهد.

در این رابطه و در جریان این اتفاق، ناسیونالیست های کرد هم، نه برای دفاع از حرمت زن به عنوان انسان برابر، بلکه بعنوان دفاع از پوشش کردی زنانه و برای تقدیس آن، بصدا در آمدند. تلاش کردند تا بر تن اعتراض انسانی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان و مردان جامعه، لباس ناسیونالیستی بپوشانند.

اما دخالتگری کمونیستی و سوسیالیستی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب در مریوان و شعار نه به هویت قومی و مذهبی از طرفی و عقب نشینی جمهوری اسلامی و خط باطل زدن بر یکی از قوانین ارتجاعی و سراسری اش، نشان داد که اعتراض زنان و مردان برابری طلب مریوان اعتراضی محلی، قومی و ناسیونالیستی و یا مذهبی و سنی گری نیست. دفاع از برابری زن و مرد و حفظ حرمت انسان است. از جمله دفاع از حرمت قربانیانی که جمهوری اسلامی تا آن روز به عناوین مختلف و با چرخاندن در خیابان های شهرهای ایران، تحقیر و هتک حرمت شان می کرد.

دفاع ناسیونالیست ها از لباس کردی زنانه و تقدسش که نباید بر تن مردی پوشانده شود، روی دیگر سکه تقسیم جامعه به زن و مرد و به این و آن قوم و مذهب و قبیله است. نوع دیگر نشان دادن تفاوت زن و مرد است. نوع دیگر نگاه مردانه به زن است. جنبش و اعتراض آزادیخواهی و برابری طلبانه و عکس العمل افکار عمومی در ایران و در ابعاد بین المللی، بر همه این تحرکات ارتجاعی از بالا تا پایین جامعه خط بطلان کشیده است.

حزب کمونیست کارگری - کمونیست، جمع آوری این تجربه و انتشار آن در این کتاب را بعنوان درس و تجربه دیگری از جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و دخالتگری کمونیستی، در دستور گذاشت و به این ترتیب، در اختیار و دسترس همه انسان های آزادیخواه و برابری طلب قرار می دهد.

زنده باد آزادی
زنده باد برابری
حزب کمونیست کارگری- کمونیست
۱۳۹۲ اردیبهشت



در مریوان نمایش تحقیر و توهین به زنان بر پا شد

جمیل خوانچه زر - محمد راستی

در بعد از ظهر امروز ۲۶ فروردین ۹۲ در حوالی ساعت سه بعدازظهر خیابانهای شهر مریوان شاهد توهین و تحقیر بزرگی به مردم این شهر و بیش از همه به زنان، از طرف دم و دستگاه انتظامی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی بود. تعدادی از نیروهای انتظامی و اطلاعاتی، مردی که جز "ارادل و اوباش" خوانده میشد را در حالی که لباس زنانه به تن کرده بودند در خیابانهای شهر به نمایش در آوردند. امروز ارادل و اوباش واقعی توانستند این نمایش که اساسا توهین به همه مردم شهر و شعور و کرامت آنها بود را به نمایش بگذارند. فردی به اسم "ت.خ" موضوع این نمایش بود.

گفته میشود که این فرد "خلاف کاری های" زیادی کرده است و با سر دسته های خلافکاران شهر که از جمله در همین دستگاه های جنایت و سرکوب نشسته اند همکار بوده است. این البته موضوع مهمی برای بحث نیست. پرونده وی و همکارانش موضوع دیگری است. آنچه امروز در بطن این نمایش مسخره و فریبکارانه صورت گرفت، تنبیه و تحقیر زنان بود. مراقبین قوانین خدا، قران و قوانین جمهوری اسلامی یک قربانی این مناسبات، یک قربانی روابط و شرایط حاکم جمهوری اسلامی بر جامعه را به طرز بسیار توهین آمیزی در ملا عام مورد مجازات قرار دادند. مهمتر اینکه با پوشاندن لباس زنانه بر تن وی او را "مجازات و تحقیر" کردند و در خیابانها به نمایش در آوردند. یک قربانی این شرایط و یک مرد، اینگونه باید مورد تحقیر قرار بگیرد و مهمتر از آن زنان باید مورد پست ترین و رذیل ترین توهین قرار بگیرند که موجودی "فاسد تر" و "بدکاره تر" از آنان وجود ندارد و باید با پوشاندن لباس این "موجودات" بر تن یک "مرد" او را تنبیه کرد و دیگر "مردان" را هم از این روز ترسانند. امروز زنان و مردان آزادیخواه بسیاری در شهر مریوان با شنیدن و دیدن این صحنه خشمگین شدند و بودند بی خبرانی که با این گله نیروهای انتظامی و اطلاعات، برای "مجازات" این مرد در لباس زنانه، عملا همراه شده بودند و اهداف جمهوری اسلامی و مقاماتش در شهر را همراهی کردند.

اما مساله مهم دیگر این است که به جنبش آزادیخواهی زنان و مردان مبارز بویژه در شهر مریوان ضربه ای وارد شد. این جنبش نتوانست بر دهان این مزدوران آنچنان افساری بزند که تکرار آن را غیر ممکن کنند. مبارزه علیه خشونت بر زنان و قتل های ناموسی در این شهر و روستاهای آن البته که قدرتمند بوده است و در چند سال گذشته هزاران نفر در تظاهرات و تجمع های مختلف شرکت گسترده داشته و خشونت و قتل های ناموسی زنان را محکوم کرده اند. این جنبش و مدافعین آن امروز غیبت جدی داشتند چرا که جنبش آنها ساکت بود. فریاد های کوبنده بسیاری در اعتراض به این عمل شنیع و این نمایش ضد زن از هر طرف بلند نشد. مهمتر اینکه این جنبش آنچنان فضای آزادیخواهی و برابری طلبی زنان و مردان را جاری نکرده است که مانع از چنین اتفاقی باشد. این جنبش چنان چه اکنون قدرتمند بود در هر قدمی که این مامورین در هر کوچه و خیابانی که بر میداشتند با سد جدی آنها که بلافاصله متوجه این توهین به زنان بودند مواجه میشدند. اتفاق امروز نشان داد که حساسیت به این توهین بزرگ با عکس العمل جدی روبرو نشد. به کل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، امروز یک ضربه وارد شد. برای جنبش های ناسیونالیستی و طرفداران این سنت ضد زن و فرهنگ پوسیده، البته که این "اتفاقی جزیی و ناچیز" است و نباید آنرا جدی گرفت! برای جنبش کمونیستی ما و برای جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه، البته که این اتفاق جدی و مهمی است و ای کاش جنبش ما این قدرت را داشت که همین امروز مردان و زنان با هم و حتی المقدور با لباس زنانه بر تن، ظاهر میشدند و این تعرض را عقب مینشانند. این اتفاق در شهر مریوان افتاد و چنانچه مامورین انتظامی در هر جای دیگری جسارت کنند آنرا به اجرا در میاورند و این عملی بر علیه کل زنان در این جامعه بود. این تعرض را باید پاسخ داد و مسیر رزمندگی جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را روشنتر کرد.

هویت قومی یا هویت انسانی؟

بیانیه زنان سرخ پوش و فعالین مدنی شهر مریوان

حکم این است: برای هتک حرمت متهمی، او را لباس زنانه برتن پوشانیدند و در شهر گردانیدند تا مایه عبرت شود. کسی نپرسید او کیست. جایگاهش کجاست. در کدام خانواده با کدام آموزش و تربیت و در چه شرایط اقتصادی _ اجتماعی و یا رفاهی و تفریحی رشد کرده و شخصیتش شکل گرفت و وراثت اجتماع شد لباس زنانه برتنش کردند و اینطوری تمام ارزشها و کرامات انسانی را به یکباره پایمال کردند.

یک جامعه بشری تنها زمانی می تواند جامعه انسانی باشد که مفاهیم زنانگی و مردانگی را پشت سر گذاشته باشد و تعالیم اخلاقی اش را از انسانیت اجتماعی و بر اساس روابط یکسان و عاری از تبعیض گرفته باشد. ارزشها را در مدنیت محض و بر پایه حقوق برابر دیده باشد نه بربریت توهم محور. در یک جامعه انسانی دو واژه زن و مرد تنها صورت ظاهر دو جنس بشری را توصیف می کنند و هر گونه تعریفی از زنانگی _ مردانگی تلاشی جهت اعمال غیر متمدنانه قدرت است.

تا زمانی که مناسباتی وجود دارد که جهان را به تقسیم بندی جنسیتی زنانه _ مردانه وا می دارد. و در این تقسیم بندی، ویژگیهای محقر، ناتوان، ضعیف و منفی به جنسیت زن نسبت می دهد. و ویژگیهای به گمان خود برتر و شگفت انگیز و عالی و مثبت و... را همراه و همزاد مردانگی می پندارند و تازمانی که قواعد و قوانینی هست که مجریانش هنوز برای تحقیر و تنبیه (مردانگی) برتن متهم می پوشاند، اقدام عملی علیه چنین وضعیتی معنا دار است. و این حرکت، تلنگری شد برپیکر زخمی جامعه، و همگان را واداشت که به اعتراض برخیزند و هم به پیشروی علیه این رفتارهای ارتجاعی گام بردارند قوانین، سنت و رفتار ضد زن را باید از محیط زندگی و اجتماعی دور کرد و فرهنگ آزادیخواهی و برابری طلبی را جایگزین کرد باید مسئولین دولتی را واداشت رسماً از مردم و بویژه از زنان معذرت خواهی کنند.

در جریان اعتراضات اخیر جمعی با مخدوش کردن این مبارزات کوشیدند تا مثلاً در دفاع از مسئله حقوق زن، مقولات قوم گرایانه و ارتجاعی را به رخ جامعه بکشند که عذری بدتر از گناه است خواستند اصل را که هتک حرمت به انسان بود حاشیه ای کنند که از آب گل آلود ماهی ای گرفته باشند با علم کردن نوع لباس، مسئله اصلی توهین به زن را منحرف کرده و تقلیل دهند. نباید اجازه داد دفاع از کرامت و حقوق برابر زنان و مردان دست مایه ای برای ارتجاع مردسالارانه و ناسیونالیستی شود.

زنان سرخ پوش مریوان
فعالین مدنی مریوان

۳۰ فروردین ۱۳۹۲ - ۱۹ آوریل ۲۰۱۳



اطلاعیه حزب حکمتیست در مورد رویدادهای اخیر در مریوان

زنان و مردان مبارز در مریوان به رژیم تو دهنی زدند

روز ۲۶ فروردین ۹۲ شهر مریوان شاهد توهین بزرگی به زنان از طرف نیروهای انتظامی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی بود. آراذل و اوباش واقعی در نمایشی عوامفریبانه مردی را با لباس زنانه در خیابانهای شهر عبور دادند و به این ترتیب وی را "رسوا" کردند. بسیاری از زنان و مردان این شهر از دیدن و شنیدن این عمل توهین آمیز به کرامت انسان و بویژه توهین به زنان و شخصیت و کرامت آنان خشمگین شدند.



امروز ۲۷ فروردین میدان سرباز در شهر مریوان شاهد عقب راندن و تو دهنی به جمهوری اسلامی و مزدورانش بود. تعدادی از زنان و مردان مبارز این شهر به رژیم آراذل و اوباشان پاسخ در خور دادند.

حدود ۲۵ زن که با لباس های قرمز در میدان سرباز این شهر تجمع کردند، توهین دیروز نیروهای انتظامی و اطلاعاتی و لباس شخصی به زنان را مورد انزجار قرار دادند. آنها اعلام کردند که اجازه نمیدهند به شخصیت و کرامت زنان در این جامعه توهین شود. نیروهای انتظامی به زنان حمله ور شدند و مردم آگاه و مبارزی که در این حوالی بودند بلافاصله به محل آمده و با نیروهای مزدور درگیر شدند و حرکت زنان حق طلب را مورد حمایت قرار دادند که در نتیجه و تا هم اکنون ۱۲ زن و مرد بوسیله نیروهای انتظامی و امنیتی دستگیر شده اند.

زنده باد جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی

۲۷ فروردین ۱۳۹۲

۱۶ آوریل ۲۰۱۳

زنده باد زنان سرخپوش مریوان

زنان سرخپوش مریوان عقب نشینی مهمی را به جمهوری اسلامی تحمیل کردند.

پس از یک هفته اعتراض به برنامه توهین آمیز گرداندن یک مرد "مجرم" با لباس زنانه برای درس عبرت دادن به سایر "مجرمین"، تحقیر رسمی و علنی مقام زن در جامعه، اعتراضی که زنان سرخپوش در مریوان در راس آن قرار گرفتند. مقامات جمهوری اسلامی به دست و پا افتاده و پس از نتیجه ندادن تلاش نمایندگان مرتجع مجلس اسلامی و تحصیلکردگان نان به نرخ روز خود برای خفه و منحرف کردن این اعتراض رادیکال، بالاترین مقام انتظامی جمهوری اسلامی اعلام کرد برنامه های گرداندن تحقیرآمیز افراد در خیابانها متوقف می شود و ابلاغیه "منع رفتارهای تحقیر آمیز بخشنامه شده و به کل کشور ابلاغ می شود".

زنان سرخپوش مریوان و زنان و مردان آزادیخواهی که در کردستان به این اعتراض رادیکال پیوستند، چنان درس عبرتی به اراندل و اوباش جمهوری اسلامی، از مقامات قضایی و پلیسی گرفته تا مجلس و دفتر ریاست جمهوری، دادند که دیگر جرأت نکنند نه فقط چنین زنان را مورد توهین و بی حرمتی قرار دهند بلکه هر نوع برنامه تحقیرآمیز "مجرمین" در ملا عام را متوقف کنند.

تحرك زنان سرخپوش مریوان وجدان انسانی جامعه را در دفاع از حرمت و کرامت انسان بیدار کرد. این اعتراض گوشه ای از اعتراضی است همه جانبه علیه بیحرمتی به زنان و تحقیر انسان به هر شکل آن، که در اعماق جامعه ریشه دارد.

آزادیخواهی و برابری طلبی در این جدال علیه هر شکل و نوع از فرهنگ ارتجاعی و مردسالار به نام مذهب یا ملیت پیروز بیرون آمد. این پیروزی بدون حرکت متحد و آگاهانه زنان سرخپوش مریوان، بدون آگاهگری هر روزه ممکن نبود. پیروزی بزرگی علیه حکومتی که با قانون و فرهنگ و سنت بیحقوقی زن و زن ستیزی را در جامعه دامن زده و تثبیت میکند.

این پیروزی را به زنان سرخپوش مریوان، به زنان و مردان آزادیخواهی که با اعتراضات خود جمهوری اسلامی را وادار به چنین عقب نشینی کردند تبریک میگوئیم.

این پیروزی در تاریخ مبارزات زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب ثبت خواهد شد.

زنده باد زنان سرخپوش مریوان
زنده باد آزادی، زنده باد برابری

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۵ اردیبهشت ۹۲ - ۲۵ آوریل ۲۰۱۳

www.hekmatist.com

مبارزات زنان و مردان در مریوان دامنه دارتر شد!

جمیل خوانچه زر، محمد راستی

پوشاندن لباس زنانه بر تن به اصطلاح یکی از ارادل و اوباش از سوی نیروی انتظامی با عکس العمل اعتراضی زنان و مردان آزادیخواه در شهر مریوان و شهرهای دیگر روبرو شد. در ۲۷ فروردین ماه زنان با پوشیدن لباسهای قرمز و تظاهرات در خیابانهای شهر با شعار "توهین به زنان ممنوع" این توهین ویی حرمتی به زنان را محکوم کردند. امروز مردان زیادی با پوشیدن لباسهای زنانه با این اعتراض همراه شدند، این همگامی و این مبارزه مشترک گام مهمی در گسترش این حرکت آزادیخواهانه است. واضح است که مردم باز هم به پیشروی بر علیه این رفتارهای ارتجاعی گام بردارند و این مبارزه را باید ادامه داد. قوانین، سنت و رفتار ضد زن را باید از محیط زندگی و اجتماع دور کرد و فرهنگ آزادیخواهی و برابری طلبی را جایگزین کرد.

فضا را باید به مسوولین دولتی تنگ کرد تا جایکه "رسم از مردم و بویژه از زنان" معذرت خواهی کنند و متعهد شوند که دست به چنین حرکات ضد زن و ضد انسانی نزنند. ضمناً مرد سالاری و ارتجاع ناسیونالیستی همردیف و شانه به شانه ی قوانین مذهبی و اسلامی در برخورد با زنان است. در جریان اعتراضات اخیر ناسیونالیستها با مخدوش کردن این مبارزه میکوشند تا با علم کردن "نوع لباس" مسئله اصلی توهین به زن است را منحرف کرده و تقلیل دهند. مسئله این است که نیروهای انتظامی و دستگاه حکومتی به جامعه زنان فارغ از نژاد و غیره توهین کرده اند، آنها بوسیله پوشاندن لباس زنانه بر تن یک مرد خواستند که نشان دهند که وی را "رسوا" کرده اند و همین مسئله تاکنون مورد اعتراض زنان و مردان مبارز بوده که در اشکال مختلف بروز پیدا کرده است. نباید اجازه داد دفاع از کرامت و حقوق برابر زنان و مردان دستمایه ی برای ارتجاع ناسیونالیستی و مرد سالارانه بشود.

نگاهی به تجربه حرکت زنان سرخ پوش در مریوان

محمد راستی - جمیل خوانچه زر

در ۲۶ فروردین ۹۲ نیروهای انتظامی شهر مریوان فردی به نام "ت.خ" که مجرم بوده را در خیابانهای شهر و ملبس به لباس زنانه برای "عبرت" دیگران و برای "رسوا" کردن وی میگردانند. این عمل شنیع و این وحشی گری از دو نظر مورد نارضایتی بسیاری از مشاهده کننده گان این صحنه شد. بسیاری می پرسیدند چرا این "بیچاره" محکوم است در حالی که بزرگترین مجرم در همین شهر با جنایت زیاد و کشتن روزانه از مردم محروم و زحمتکش را در پرونده دارند و در صدر مسئولین شهر نشسته اند. و چرا لباس زنانه بر تن یک "مجرم"؟

البته بودند کسانی هم که بی تفاوت این صحنه ها را میبایند، بودند کسانی که مساله مجرم بودن ت.خ و محکومیتش مساله شد و بعضا همراه با قافله نیروهای انتظامی همراه بودند یا بودند کسانی که آخر و عاقبت این مرد که به لباس زنانه ملبس شده بود را بدترین جرم میدانستند! آنچه که دقیقا "حاکم شهر"! (دادستانی) از جمله اهدافشان بود و در مغز پوسیده اش بر علیه زنان در جریان بود. همانطور که اشاره کردیم دو موضوع اصلی در این جا مساله بسیاری از مبارزین شهر شد. و البته که خودجوش! و بسیار از فعالین دفاع از حقوق زنان و بسیاری از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب توهین به زنان و حرمت و کرامت انسان آنها را به حرکت در آورد که باید کاری بکنند و این حرکت گستاخانه را نباید بی پاسخ بگذارند. این اطمینان وجود داشت که چنانچه اجازه داده شود که اینگونه فرهنگ پوسیده، مردسالار و وحشی در برخورد به انسانها کوچه و خیابانهای شهر را تسخیر کند مجال نفس کشیدن در خانه ها تنگ تر هم میشود. ارتجاع و سنت مردسالاری نه تنها در پیش حاکمان شهر و نیروهای مامور و معذورش! بلکه در جامعه عمیقا ریشه دارد.

فردای این روز یعنی در ۲۷ فروردین و در حالی که خبر دیروز همه جا را گرفته بود و در فضای مجازی هم به سایت های ایرانی و کرد کشانده شده بود، تعدادی از زنان پیشگام شدند و با لباس های سرخ در اعتراض به حرکت نیروهای انتظامی به خیابانهای شهر به حرکت در آمدند. آنها هر گونه توهین به زنان را محکوم کردند. این حرکت نمادین صدای اعتراض یک جنبش بود. این حرکت قهرمانانه پاسخ تماما محکمی به نیروهای انتظامی و مرتجعین بود. این در حالی بود که همزمان تعدادی از فعالین "حقوق زن" حداکثر آنچه را که در برنامه داشتند اعتراض به مقامات شهر و تذکر به آنها برای چنین حرکاتی از جانب نیروهای انتظامی بود. فضای شهر را شور و شوق انقلابی و مبارزه جویانه ای فرا گرفته بود. زنان سرخ پوش مریوان در اذهان و قبل از هر نیت و اهداف تراشیده دیگر! متبلور اعتراض به تبعیض بر علیه زنان بود که همزاد این نظام و حکومت اسلامیش بوده است. حرکت سرخ پوشان مریوان قبل از اینکه بهر چیز دیگری وصل شود، بیشتر به "ضلع شمال شرقی خیابان فردوسی تهران" و "زن سرخ پوش" وصل بود!

مسئولین نظامی و انتظامی و امنیتی شهر در چه حالی بودند؟

مثل همیشه عکس العمل آنها بر این بود که مساله را خاموش کنند و تعدادی را هم دستگیر کنند و همین کار را هم کردند اما حدس این مساله نباید چندان مشکل باشد که به یک دیگر گفته اند که "چه غلطی کردیم!" "چه غلطی کردیم که دیگر نباید تکرار شود!" این را حداقل پادو های حکومت اسلامی یعنی نماینده های مجلس از مناطق کرد زبان که نقش شاخک های حسی در این مناطق را هم دارند توانستند بیان کنند.

به این ترتیب اعتراض به سطح گسترده ای رسید. تا جایی که نیروهای امنیتی و انتظامی اقدامات پیشگیرانه بیشتری را به اجرا گذاشتند و در صدد دستگیری تعدادی دیگری بر آمدند. این ها دیگر جوابگو نبود. دستگیر شدگان هم بعد از چند ساعت آزاد شدند و گسترش اعتراضات در جریان بود و منظمآ نیروهای بیشتری را به خود جلب میکرد. برنامه و ابتکارات بسیاری در راه بود تا افشار مختلف مردم درگیر شوند.

چرا مساله لباس کردی برجسته شد؟

بدیهی است که در هر اعتراض و مبارزه ای گرایش های مختلف با اهداف و سیاست های مختلفی وجود دارد. بدیهی است که هر کدام تلاش میکنند که هژمونی خود را بر این حرکت اعمال کنند و باز هم بدیهی است که هژمونی هر کدام از این گرایشها و یا جنبشی که نمایندگی میکنند اعمال شود و نهایتا عمل شرکت کنندگان را سمت و سو میدهد. در ماجرای روز 26 فروردین و در حالی که ت.خ با لباس زنانه در شهر گردانده میشد همه این گرایشها و نظرها وجود داشت. تعدادی مساله توهین به کرامت انسان و یک قربانی این نظام و سیستم حافظ منافع سرمایه داری برایشان مساله شد، تعدادی سرکوبگری برای محرومان جامعه و خاموش کردنشان. تعدادی لباس "کردی زنانه" که بر مرد زندانی پوشانده بودند "رگ غیرتشان" را جنبانند و تعدادی دیگر لباس "زنانه" بر تن یک مرد و رفتاری این چنینی با یک زندانی موجب اعتراضشان را فراهم کرد. همه این ها تلاش کردند در این حرکت آنچه که موجب اعتراضشان بود را تعقیب کنند.

این مساله را البته که نمیتوان صرفا از دریچه این نظرات مختلف دید و مساله مهم این بود که بطور واقعی هدف نیروهای انتظامی توهین به لباس کردی نبود اما ناسیونالیستها این جنبه را مثل همیشه مساله کردند و باختند و این باخت را باید تا پایان این مبارزه مشخص ادامه داد! چرا که آنها لابد تلاش میکنند به اشکال دیگری این مساله را در قالب "توهین به لباس کردی" نگاه دارند. مساله در واقع توهین به زنان بعنوان زن و "بعنوان ضعیفه" و "بعنوان موجود درجه چندم" و "بعنوان موجودی پایین تر از مرد" و "موجودی عفریته" و "موجودی خراب" و "یک موجود شیطنی" و ... بود یعنی دقیقا آنچه که در سنت و رفتار و جنبش ناسیونالیسم و ناسیونالیست ها هم هست و از نظر قوانین اسلامی و قرآنی جمهوری اسلامی هم که فراروان موجود است. حاکمان شهر و مامورین هم در پی اجرای این تصویر بودند نه اینکه بخواهند به نوع لباس و لباس کردی اهانتی بکنند. تصور کنید همین اتفاق اگر در شهر شوش و یا نیشابور و آستارا و سراب بود، حاکم شهر حکم میداد که مرد خاطی را چه نوع لباسی به تن بکنند؟ به احتمال زیاد همان لباس محلی آنجا را بر تنش میکردند ولی با همان اهدافی که در مریوان بود. ناسیونالیستها استاد دور کردن مردم از نقد به ارتجاع و سنت های ضد

زن و قوانین ضد مردمی هستند. شاید به همین دلیل بود که اطلاعیه آنها مملو از هشدار دادن به مقامات شهر بود و لابد قدم بعدی برای آنها مذاکره برای این مساله بود که از این به بعد و در چنین مواقعی لطفا لباس فارسی و یا ترکی و گیلکی بر تن مردان مجرم بکنید و نه لباس کردی! ناسیونالیستها و جنبش ناسیونالیستی در کردستان معضل دیگری غیر از لباس و زبان و خوراک کردی و شریک شدن در ادرا امور با سرمایه داران و حاکمان فعلی ندارند! فرماندار و استانداران شهر و رئیس کلانتری و پاسگاه ها چنانچه کرد باشند مساله اینها حل میشود! و چنین تغییری هم برای آنها کافی است تا به تغییر سیستم موجود و کارکردش برای سرمایه داران و خرده بورژوازی در کردستان لطمه ای نتوان وارد کرد. و همینطور کارگران و مردم زحمتکش در ایران و کردستان نباید دست به هیچ تغییر دیگری بزنند تا جنبش آنها به سرانجام پیروزی برسد!!! نباید طبقه کارگر خواهان ۶ ساعت کار در روز و دو روز تعطیلی در هفته با حقوق و مزایا و معیشت مناسب باشد! نباید مسکن مناسب برای همه، بهداشت و درمان مناسب و برابر برای همه، امکانات رفت و آمد اتوبوس و قطار مجانی برای همه باشد! زنان و مردان چنانچه از آزادیخواهی و برابری طلبی حرف بزنند سرکوب میشوند و جوانان دختر و پسر و کودکان اجازه ندارند از آینده ای آزاد و برابر، مرفه و شاد و با فرهنگ امروزی برخوردار باشند. کردستان عراق و مناسبات هنوز بجا مانده و تقویت شده تحت حاکمان ناسیونالیست و جنبش "کردایی" آینه ی تمام قدی است که ناسیونالیستهای کرد در مناطق دیگر کرد زبان در ایران و ترکیه و سوریه و طیس! در پی آن هستند. تجربه اخیر در مرزهای یکبار دیگر این تقابل و رودر رویی جنبش ناسیونالیستی با جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهان را در این زمینه و هر چند در ابعاد "کوچکی" برجسته کرد.

کمپینی هم که تعدادی از مردان با لباس زنانه به تن، در این زمینه شروع کردند و ابعاد جالب و خوبی به این مبارزه داد را این جنبش تلاش میکند مال خود کند. این مردان با هر نوع تفسیر و تعبیر "مردم پسند" و "قانون پسند" این حرکت را در راستای همین اتفاق یعنی توهین به زنان و بر علیه تبعیض بر زنان در جامعه است دنبال میکنند. این حرکت دال بر ناسیونالیست بودن آنها نیست و چنانچه ناسیونالیستها هم این کار را بکنند در همین راستای تبعیض بر علیه زنان است و هر چه بخواهند آنرا توهین به لباس کردی بنامند بیشتر از اعتراض واقعی مردم دور میشوند و البته چه بهتر که بشوند!

این پیچیدگی بوجود آمده از طرف ناسیونالیستها البته که موجب پریشانی هم شد و بعضا بودند کسانی که به این خاطر از دخالت تمام و کمال "دوری" کردند. بودند کسانی که با دیدن لباس کردی و نوع لباس، فلسفه بافی کردند و اهداف اصلی این اعتراض را نتوانستند بفهمند! نوع لباس و نه اهداف سیاسی این حرکت و این جنبش مساله اینها شد و نوع لباس کردی و لابد روز دیگری لباس ترکی و عربی آنها را از شرکت در این جنبش دور میکند. اینها متوجه نیستند که چرا ۱۷ نماینده مجلس شورای اسلامی به یاری این جنبش شتافته اند تا در اذهان متبادر کنند که بلکه مساله بر سر توهین به لباس کردی است! ناسیونالیستها در پی برجسته کردن لباس "کردی" بر آمدند تا در نهایت لباس دیگری را به جای آن به مقامات پیشنهاد کنند. جنبش آزادیخواهی از همان روز اول بسیار آگاه به این اهداف بود و بهمین دلیل بطور طبیعی از همان لحظه اول مشاهده یک مرد مجرم در لباس زنانه اعتراض دیگری داشت و آنرا ادامه داد تا زمانی که بر پلاکارد هایش شعار "انسان ذاتا مجرم نیست، مناسبات اجتماعی او را مجرم میکنند." "زن برابر با مرد است" و ... را به اهتزاز در آورد. حرکت بعدی چه میتواند باشد؟

بسیار منطقی است که این حرکت همانگونه که در اهداف اولیه اش بوده است تا دست یابی به معذرت خواهی مقامات شهر و مسئولین نیروهای انتظامی و قضایی شهر، از مردم و زنان ادامه داشته باشد. تثبیت این پیروزی به این نیازمند است هر چند تا هم اکنون هم از نظر هر بیننده و هر فعال این مبارزه روشن است که باید بر این جنبش ساخت و پایه هایش را یکبار برای همیشه محکم بر زمین سفت کوبید. معذرت خواهی حاکم شهر و مسئولین آن از مردم و زنان این شهر برای توهین به کرامت و شخصیت زن ضروری است تا اینکه نه تنها این اعمال تکرار نشوند بلکه هیچ زندانی دیگری به هیچ عنوان و شکلی دیگر این چنین مورد تحقیر قرار نگیرد. این مساله جنبش آزادیخواهی را از هر لحاظ به اهدافش در این حرکت میرساند. برای این مساله باید نیروی اجتماعی زنان و مردان در همه محل های کار و زندگی را به حرکت در آورد و این میتواند بهر شکل و شیوه ای که ممکن میشود باشد. همه نوع اعتراض و همه نوع ابتکار برای این حرکت لازم است. مساله بر سر معذرت خواهی از زنان و مردم شهر است که یک پیروزی برای همه زنان در ایران است. ناسیونالیستها مانند همیشه دفاع از "ملت کرد" را به هر قیمتی و از جمله با زیر پا نهادن منافع کل جنبش آزادیخواهی زنان زیر پا بگذارند. اهداف آنها با پوشاندن لباس ترکی و یا فارسی و گیلکی بر تن زندانی مرد بر آورده میشود و این تماما ضد انسانی و ضد آزادیخواهی است و باید آنرا ترد کرد.

جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه باز هم به خود آمد. ما تردیدی نداشتیم که جنبش این بنیه استوار را در جامعه دارد. ما میدانستیم شرایط پیچیده سیاسی در ایران بر این جنبش هم سایه سکون و ناامیدی انداخته است ما میدانستیم که میتوانیم این جنبش بزرگ آزادیخواهی و برابری طلبی را در هر کجا که در آن آگاهانه و سازمانیافته دخالت کنی میتوان جنبانند.

زنده باد زنان سرخ پوش در مرزهای

زنده باد زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب!

۱ اردیبهشت ۱۳۹۲

۲۲ آوریل ۲۰۱۳

۱- "زن سرخپوش" داستان زنی است که حدود ۳۰ سال و هر روز در ضلع شمال شرقی خیابان فردوسی در تهران ملبس به لباس و کیف و کفش سرخ می ایستاده است. این "زن سرخ پوش" از سال ۶۱ یا ۶۲ به یکباره ناپدید میشود و دیگر کسی از وی سراغی نتوانست پیدا کند. گفته میشود که وی عاشق بود و هر روز به یاد یک قراری که در این محل داشته است حاضر بوده. در سال ۹۰ بنا به ابتکار ۵۰ دختر "عاشق" سراپا سرخ یک نمایش جالب را در همین میدان فردوسی به اجرا در میاورند. در این تاریخ در روزنامه شرق و به قلم حمید جعفری نوشته شد که "... خیلی ها که از ماجرای پیش آمده در میدان فردوسی تهران که در پنجشنبه گذشته رخ داد، مطلع نبودند گمان می بردند مقرر است پرچم سرخ مزین به داس و چکش دوباره افراشته شود و این دخترکان هم می خواهند جا پای «رزا لوکزامبورگ» بگذارند. اما نه! همه عاشق بودند و قصد آن داشتند یاد زنی را زنده کنند که روزی روزگاری نماد عشق و عشاق تهران بود که شاید هنوز هم هست و خواهد بود."

زنان سرخپوش مریوان و درس عبرت به مجرمین واقعی

بدنبال اعتراضات وسیعی که در کردستان ایران، اعتراضاتی که از عکس العمل زنان آزادیخواه مریوان علیه تحقیر زنان آغاز شد، مسئله زن بار دیگر در ابعاد وسیع اجتماعی در سراسر ایران خود را به وجدان جامعه، و به حاکمین تحمیل کرد.

حرکت دهها زن که خود را "سرخپوش" نامیدند و برپایی اجتماعات و تظاهرات ها و با پوشیدن لباس قرمز، بر ذهن گنبدیده ماموران اجرای "عدالت" شوک وارد کرده، همگان را بیدار و به اعتراض دعوت کرد. مردان معترض در شهرهای مختلف در کردستان ایران، با پوشیدن لباس زنانه، و نمایش آن در گوشه و کنار و در فضای مجازی، به این اعتراض پیوستند و از آن حمایت کردند. ناگهان شعار "زن بودن ابزار تحقیر و تنبیه هیچ کس نیست"، پوشیدن لباس زنانه توسط مردان، و "سرخ پوشی"، فضای اعتراضی جامعه را تسخیر کرد.

قرار بود بالماسکه حقارت همگانی که توسط قاضی محلی برگزار شده بود، نمایش "عبرتی" باشد برای محکومین دادگاههای رسیدگی به "جرایم" در شهر مریوان و سایر شهرها! برنامه ای که به همت "زنان سرخپوش مریوان" و صف حامیان زن و مرد آن در سایر شهرهای کردستان ایران، به مراسم دادن درس عبرتی به دولت و مجلس و قوه قضائیه متحجر و زن ستیز، تبدیل شد.

امروز دیگر همه به تقلا در آمدند، تا این صدای اعتراض به لگدمال کردن کمترین حق انسانی محکومین دادگاههای قرون وسطایی، و مراسم تحقیر زن، را خاموش کنند. تلاش کردند که مسئله را به "تعرض به حرمت زن مسلمان" یا توهین به نوع "لباس محلی"، تقلیل دهند و منحرف کنند. حتی سردستگان آپارتاید جنسی و زن ستیزی، در مجلس و دولت و قوه قضائیه، یکی پس از دیگری به "شکر خوردن" افتادند و عقب نشستند.

نهادهای دولتی و نمایندگان مجلس به دست و پا افتادند تا هرچه سریعتر این اعتراض را خاموش کنند. نهادهایی که خود جزئی از سیستم زن ستیز و حکومت ضد زن جمهوری اسلامی اند، "تحصیل کردگان" و متخصصان مرتجع جمهوری اسلامی، "اسیب شناسان اجتماعی" و نمایندگان مجلس که رسالتی جز تحکیم بنیادهای حکومت را به عهده ندارند، عقب نشستند و به این توهین و بیحرمتی "اعتراض" کردند.

"مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری" کوتاه بینی یک فرد و یا افراد تصمیم گیر "و" درک ناصحیح آنها از جنس زن و عدم شناخت نسبت به زن" را مسئول "بی احترامی و توهین به لباس زنان پاکدامن" دانسته و خواستار پاسخگویی نیروی انتظامی شده است. و نمایندگان مجلس اسلامی با امضا نامه ای این اقدام را خلاف شئون اسلامی و تحقیر لباس و شخصیت زن مسلمان عنوان کرده اند و خواهان تذکر کتبی به وزرای کشور و دادگستری هستند.

زنان سرخپوش مریوان در پیشاپیش اعتراضی وسیع و گسترده، درس عبرتی به مجلس و دولت و نیروهای انتظامی و دفتر رئیس جمهور و مقام ولی فقیه دادند.

خزیدن در سنگر عقب مانده و حقارت آمیز حفظ حرمت "زنان مسلمان" یا احترام به "لباس محلی"، تنها سنگری بود که برای این طیف متحجر برای عقب نشینی و اعتراف به "گرفتن درس عبرت" باز بود. سنگری که ارتجاع در پناه آن تلاش میکند از آن سنگر به جنبش زنان سرخ پوش، جنبش خواست برابری زن و مرد در تمام شئون زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی، آزادی پوشش، دفاع از حرمت انسانی زن، کوتاه شدن دست مذهب و اسلام از دخالت در زندگی زن و مرد، و آزادی و برابری طلبی در جامعه، تعرض کند! حرکت اخیر در اعتراض به تحقیر زن در کردستان ایران، نشان داد که در مقابل این تلاش ارتجاعی، صفی آگاه خود را آماده میکند.

زن و مرد در کردستان در سراسر ایران، نه هویت اسلامی دارند و نه قومی! زبان و لباس کردی و غیرکردی، زبان و لباس مردم، سلیقه و انتخاب آنها است. مردم آزادند بهر شکل و سلیقه ای، به هر اندازه ای که میخواهند، پوشش خود را انتخاب کنند! هیچ کس حق تعرض به آنها را به خاطر نوع پوشش و حد و اندازه پوشش ندارد. مردم، زن و مرد، با هر زبانی که صحبت میکنند، با هر پوششی که میخواهند در جامعه و زندگی خصوصی ظاهر شوند، به اسلام اعتقاد داشته باشند یا نداشته باشند، مذهبی و خداناباور، همه انسان و شهروند متساوی الحقوق اند.

هویت تراشی برای مردم برحسب زبان و لباس و اعتقادات مذهبی، و انداختن طوق هویت قومی و مذهبی بر گردن مردم، ممنوع است. این سنگری است که ارتجاع اسلامی در قدرت و ناسیونالیسم در کمین شرکت در قدرت، تلاش میکند که از آن به مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان و مردان رادیکال، سکولار، سوسیالیست و انقلابی در ایران تعرض کنند. تلاش میکنند که مسئله زن را به میدان جدال قومی - مذهبی بکشاند. در این اعتراض این تلاش بسرعت حاشیه ای شد. جنبش دفاع از حق زنان در کردستان ایران، سنتا چپ و با گرایش قوی سوسیالیستی است. همه میدانند که بانی و باعث زن ستیزی چه کسی و چه کسانی اند. قانون و پلیس و سنت و فرهنگ ضد زنان، و جنگ هر روزه شان با زنان، تنها و تنها به زور سرکوب دوام آورده است.

نمایش مهوع مریوان، عین شئون اسلامی در توهین و بی ارزش دانستن زن است. اگر کسی یا چیزی مقصر است کل بنیادهای این جامعه و حکومتی است که نماینده این بنیادهای ارتجاعی و ضد زن است. این دستها کثیف، زن ستیز و انسان ستیز، قابل پنهان کردن نیست.

چگونه می توان قانون تغییر داد

صف زنان سرخپوش مریوان، و زنان و مردان آزادیخواهی که در راس این حرکت قرار گرفتند، با تاکید بر خواست ها و مطالبات ماگزیمال زنان، بساط فریبکاری شرکا "تهرانی" قاضی متحجر مریوان را برهم زدند. و درس عبرت مهمی به صف مجرمین قانونی که در دفتر رئیس جمهوری و مجلس و در میان "تحصیل کردگان" و نخبگان نشسته اند، داد.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست
۴ اردیبهشت ۱۳۹۲- ۲۴ آوریل ۲۰۱۳





انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت

www.hekmatist.com